

بررسی جامعه‌شناختی بی‌تفاوتی اجتماعی در تهران

خدیجه سفیری^۱، سوده حجتی کرمانی^۲

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۴/۰۱، تاریخ تایید: ۹۸/۰۸/۱۸

Doi: 10.22034/jcsc.2020.107588.1916

چکیده

در آمریکا از اواسط دهه ۱۹۶۰ موضوع بی‌تفاوتی اجتماعی مورد توجه قرار گرفت و مطالعات گسترده‌ای در این باره انجام شد، اما در ایران به تازگی به این موضوع توجه شده و علل و پیامدهای آن مورد بررسی قرار گرفته است. در زندگی‌های امروز (به‌ویژه زندگی‌های شهر) موقعیت‌های اضطراری پیش می‌آید که فرد به شدت نیازمند یاری دیگران است. در سال‌های اخیر، به نظر می‌رسد افراد به این نیاز توجه چندانی ندارند. این پژوهش با رویکرد کیفی و روش نظریه‌مبنایی انجام شده و طی آن با ۳۰ نفر از مناطق مختلف تهران درباره موضوع بی‌تفاوتی مصاحبه و علل و نتایج بی‌تفاوتی اجتماعی، از خلال این مصاحبه استخراج شده است و مشخص شد که نبود احساس مسئولیت، ترس، درگیری‌های فراوان شخصی، تأمین نشدن نیازهای اولیه و... از علل بی‌تفاوتی اجتماعی و تنهایی و هرج و مرج از عواقب آن هستند.

واژگان کلیدی: بی‌تفاوتی اجتماعی، تعهد اجتماعی، آنومی، نظریه‌مبنایی.

۱ استاد دانشگاه الزهراء؛ m-safiri@gmail.com
۲ دانشجوی دکتر؛ su.hojjati@gmail.com

مقدمه و طرح مسئله

بررسی مسائل و آسیب‌های هر جامعه‌ای و ارائه استفاده از نتایج آن از ضروریات جوامع گوناگون است. توجه به این مقوله با نگرش علمی، حدود یک قرن است که توجه جامعه‌شناسان را به خود جلب کرده و از دلمشغولی‌های اساسی آنان بوده است؛ چراکه حل نشدن مسائل اجتماعی و بی‌توجهی به آنها جامعه را از درون می‌پوساند و باعث فروپاشی آن می‌شود. مسئولان هر جامعه، موظف به توجه و چاره‌جویی برای مسائل کوچک و بزرگ جامعه‌اند. آسیب‌هایی مانند سرقت، اعتیاد، فقر، قتل و... امنیت اجتماعی را از بین می‌برند. «امنیت» از ضروری‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای انسان است که در صورت تضعیف آن، انسان‌ها به رفع نیازهای بالاتر نمی‌رسند و در نتیجه، سطح فرهنگ و تفکر جامعه ارتقا نخواهد یافت. «تعهد اجتماعی» از مواردی است که افراد در صورت رفع نیاز به امنیت به آن می‌رسند، اما از آنجا که پدیده‌های اجتماعی تک‌علتی نیستند تعهد اجتماعی در اثر وجود عوامل دیگری نیز از میان می‌رود که یکی از آنها آنومیک بودن جامعه است. از بین رفتن «تعهد اجتماعی» موجب پدید آمدن وضعیتی می‌شود که آن را «بی‌تفاوتی اجتماعی»^۱ می‌نامیم.

«بی‌تفاوتی اجتماعی» زنگ خطری است که خبر از نوعی بیماری می‌دهد که در اثر بی‌احساسی، بی‌میلی، بدبینی، بی‌عاطفگی و... به وجود می‌آید. بی‌تفاوتی، هم علت است و هم معلول. علت بسیاری از وقایع ناخوشایندی که به وقوع می‌پیوندد «مانند نزاع و قتل‌هایی که ممکن است با پادرمیانی اتفاق نیافتند» و معلول وضعیت کنونی جامعه (در حال گذار بودن، شهرنشینی و...) است. برخی از جامعه‌شناسان ایران معتقدند که ایران، در شرایط آنومیک به سر می‌برد (چلبی ۱۳۷۵، رفیع‌پور ۱۳۷۸)؛ نوعی آشفتگی که بیشتر در فرایند گذر شتابان از جامعه پیش‌مدرن به مدرن و در نتیجه، جریان‌های نوسازی پدید می‌آید (دورکیم، ۱۳۷۸). این آشفتگی با تعارض و تناقض همراه است. اساس هر نظم اجتماعی را عاطفه و تفاوت‌مندی تشکیل می‌دهد که ریشه در وابستگی و ارتباط عاطفی به جمع با احساس عضویت دارد (Munch, 1998: 65). نبود وابستگی و ارتباط عاطفی «افسردگی اجتماعی» را به وجود می‌آورد. در مقابل، نوع دوستی و تعهد اجتماعی از وجود «سلامت اجتماعی» خبر می‌دهد. بدیهی است در غیاب تعهد اجتماعی، بی‌تفاوتی اجتماعی پدید می‌آید. در واقع، رشد صنعت و فناوری،

توسعه ارتباطات اجتماعی، افزایش لجام‌گسیخته جمعیت، مهاجرت، گسترش شهرنشینی، همسایگی فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌های متفاوت، گسترش منطق خشک محاسبه‌گرایانه در سبک زندگی مدرن، عقلانی‌شدن رفتار و انتخاب انسان‌ها، تشدید فردگرایی، ضعف نهادها و اعتقادهای مذهبی، از بین رفتن هویت‌های گروهی و محلی از دید کارشناسان مسائلی است که به‌نوعی با بی‌تفاوتی ارتباط می‌یابد.

از سوی دیگر، بی‌تفاوتی اجتماعی، نوعی احساس جدایی ذهنی (شناختی) و عینی (کنشی) میان فرد با نهادها و ساختارهای اجتماعی نظیر سیاست، خانواده و مذهب است؛ به‌گونه‌ای که فرد، خود را از نهادها منفک می‌بیند و خود را بی‌اثر در اصلاح نهادها و ساختارهای اجتماعی می‌داند. در وضعیت بی‌تفاوتی، فرد احساس تعلق گروهی ندارد و نفع جمعی را به نفع فردی ترجیح نمی‌دهد، در صورتی که فرد، خود عضوی از جمع است و نفع جمع نفع خود وی را نیز شامل می‌شود.

اگر در یک جامعه، نسبت به وجود عینی مسائل اجتماعی، حساسیت وجود نداشته باشد، آن پدیده‌ها به‌عنوان مسئله اجتماعی تلقی نمی‌شود؛ زیرا وقتی حساسیت وجود نداشته باشد جامعه به‌دنبال درمان آن نخواهد بود. به نظر می‌رسد آنچه امروز جامعه ایران را به‌شدت آزار می‌دهد و به زیر پوست جامعه رخنه کرده است، نوعی «بی‌تفاوتی اجتماعی» است. این بی‌تفاوتی، از شکل حداقلی تا حداکثری در جامعه، موجب شکل نگرفتن «وجود ذهنی» مسائل اجتماعی می‌شود و متعاقب آن، تداوم و تعمیق مسائل اجتماعی را به‌دنبال خواهد داشت. وجود بی‌تفاوتی اجتماعی دارای نشانه‌هایی مانند دل‌سردی، کناره‌گیری مدنی، تفکیک افراطی منافع شخصی از خواسته‌های عمومی و نهایتاً بی‌اعتنایی نسبت به رخدادهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است. از سوی دیگر بی‌تفاوتی اجتماعی، تابع ادراکات اعضای جامعه نسبت به «کم‌اعتمادی» در جوامع شهری، رضایت ناکافی اجتماعی، احساس بی‌عدالتی و نهایتاً نوعی «تقدیرگرایی» است (بخارایی، ۱۳۹۷).

به هر صورت، در مطالعات اجتماعی از این مفهوم، به‌عنوان یکی از آسیب‌های مهم، در روابط انسانی یاد شده که بسیاری از ما مصادیق آن را تجربه کرده‌ایم. مانند رخدادی که در سال ۸۸ در میدان کاج سعادت‌آباد تهران رخ داد و با درگیری بین دو رقیب عشقی یکی از آنها از پا درآمد. پلیس با ۴۵ دقیقه تأخیر در صحنه حضور یافت و حاضران با تهدید فرد مهاجم، جرأت دخالت پیدا نکردند و تنها به فیلمبرداری و پخش آن در شبکه‌های اجتماعی بسنده

کردند که البته چاره‌ای جز این کار نداشتند. بی‌تفاوتی نهادی، در این قضیه منجر به جنایتی شد که می‌توانست اتفاق نیفتد. واقعه دیگری با فاصله‌ای کوتاه روی پل مدیریت در تهران اتفاق افتاد که طی آن جوانی دختر مورد علاقه خود را با ضربات چاقو از پای درآورد، در حالی که جمع حاضر، به فیلمبرداری مشغول بودند. در مقابل، پسر جوان به قصاص محکوم شد و در روز قصاص نیز عده‌ای فیلم گرفتند و در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک گذاشتند. در اتفاقی دیگر، در منطقه پاسداران تهران، مردم ساکن، فریادهای زنی را شنیدند که کمک می‌خواست، اما با توجیه خصوصی و خانوادگی بودن قضیه، کسی به یاری نشتافت تا زن، به‌دست همسرش کشته شد. در حادثه‌ای دیگر که بی‌تفاوتی فردی و ساختاری، هر دو، را نشان می‌دهد، تعدادی از کودکان کار مشغول فروش بودند که مقابل فست فودی برای استراحت نشستند، اما با تذکر تند صاحب فست فود برخاستند، اما قضیه به اینجا ختم نشد و صاحب فست فود لیوان چای داغ را به سویشان پرتاب کرد و باعث سوختگی کتف یکی از کودکان شد. با تذکر یکی از ناظران گفت که چای سرد بوده و با اعتراض ناظر، قضیه را نامربوط به ایشان دانست. تماس با ۱۱۰ به‌علت پاسخگو نبودن پلیس، بی‌نتیجه ماند (تابستان ۱۳۹۷).

مورد دیگری که همگان بارها با آن روبه‌رو شده‌ایم، نوبت ویزیت پزشکان و معمولاً معطلی بسیار در مطب پزشک و دیر حاضر شدن پزشک بر سر کار خود است. گویا وقت بیماران برای پزشک، کم‌ترین اهمیت را دارد و پزشک، به‌عنوان فردی تحصیل کرده درباره این موضوع بی‌تفاوت است.

توجه به قوانین نیز، سکوت و بی‌تفاوتی را در برخی موارد نشان می‌دهد. درحالی که ختنه دختران همچنان در مناطقی از ایران انجام می‌شود، قانون، مجازاتی برای آن در نظر نگرفته است. این عمل، مصداق بارز خشونت است و به نقص جنسی دختران می‌انجامد.

معضل کهنه و تکراری آلودگی هوا مسئله قابل تأمل دیگریست که بی‌تفاوتی از کنار آن می‌گذریم، در حالی که به نوشته «خبر آنلاین» ۴۹ درصد آلودگی هوا مربوط به خودروهای شخصی و وانت‌هاست.^۱

از سه‌شنبه‌های بدون خودرو کمترین استقبال می‌شود و کمتر کسی حاضر است در روزهای سه‌شنبه از بیرون بردن خودروی شخصی صرف‌نظر کند. در همین زمینه، محمد درویش، مدیرکل سابق مشارکت‌های مردمی سازمان حفاظت محیط‌زیست می‌گوید:

«... بسیاری از جوانان اروپایی به کمپینی ملحق شده‌اند که گرفتن گواهینامه را تحریم می‌کند چون فکر می‌کنند استفاده از خودروهای شخصی در کلان شهرها، که ساکنان آنها از مشکلات تنفسی و بیماری‌های مرتبط با آلودگی هوا رنج می‌برند، یک جنایت به حساب می‌آید... متأسفانه هنوز بسیاری از خانواده‌های ایرانی برای تشویق فرزند خود به ادامه تحصیل می‌گویند: اگر دیپلم بگیری و وارد دانشگاه شوی، برای تو یک خودرو می‌خریم...»
(خبرگزاری ایسنا، ۳۱ شهریور ۱۳۹۷)

شدت و حدت مسائل مذکور با هم متفاوتند، اما همه، از وجود بی‌تفاوتی (فردی یا ساختاری) حکایت می‌کنند. بیشتر شواهد را از شهر تهران آوردیم؛ زیرا جامعه آماری تحقیق شهر تهران است.

همچنین، مؤسسه پژوهشی آینده‌بان با دسته‌بندی مسایل در حوزه‌های گوناگون، ۲۰ درصد مسایل جامعه را در حوزه اجتماعی تشخیص داده که از این میان، «بی‌تفاوتی اجتماعی»، رتبه چهارم را به خود اختصاص داده است.

پژوهش‌هایی مانند «بی‌تفاوتی و نوع‌دوستی در جامعه شهری ایران و عوامل مؤثر بر آن» (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۶)، «بی‌تفاوتی اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن» (صداقتی فرد، ۱۳۹۲)، «پژوهشی درباره بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران» (محسنی تبریزی، ۱۳۹۰) و بسیاری دیگر از پژوهش‌ها نشان‌دهنده وجود این مسئله و لزوم توجه به آن است. نهایتاً کشف اینکه چه می‌شود، که یک انسان به‌عنوان عضوی از جامعه، منفعلانه شرایط را می‌پذیرد و تلاشی برای ایجاد تغییر نمی‌کند، یک سؤال جامعه‌شناسانه است که البته با دغدغه‌های حوزه روان‌شناسی اجتماعی، قرابت دارد (شارون، ۱۳۸۲). با توجه به این مطالب، سؤالاتی که در این تحقیق در پی پاسخ آنها هستیم از این قرارند:

۱- مصاحبه‌شوندگان چگونه بی‌تفاوتی را تجربه کرده‌اند؟ از چه استراتژی‌هایی برای مقابله با آن استفاده می‌کنند؟

۲- عوامل تأثیرگذار بر بی‌تفاوتی چه چیزهایی هستند؟

۳- ریشه‌های بی‌تفاوتی چه چیزهایی هستند؟

۴- پیامدهای بی‌تفاوتی اجتماعی چه چیزهایی هستند؟

تعریف مفاهیم

بی تفاوتی اجتماعی: وضعیتی که در آن فرد نسبت به سرنوشت دیگر افراد جامعه بی حس و بی تفاوت می شود.

تعهد اجتماعی: وضعیتی که در آن افراد رفتار نوع دوستانه و ناشی از توجه به دیگران را از خود بروز می دهند.

پیش پا افتادگی مفهوم تعهد اجتماعی: وضعیتی که در آن رفتار نامناسب و گاه ضد اجتماعی، عادی به نظر می آید.

مسئولیت اجتماعی: به دو دسته تقسیم می شود؛

وظایف^۱: آن دسته از مسئولیت هایی هستند که به وسیله قانون تعیین می شوند و برای احترام نگذاشتن و تمکین نکردن آنها مجازات هایی در نظر گرفته می شود. عمده وظایف مورد تأکید و حمایت قانونی دولت ها عبارتند از: پیروی از قوانین و مقررات، دفاع از کشور (چه در هنگام جنگ و چه در شکل خدمت سربازی)، پرداخت مالیات، احترام به پرچم و

تعهدات^۲: تعهدات داوطلبانه و تجلی همبستگی و پیوند ذهنی با دیگران است. تعهدات برای عملیاتی شدن نیازمند بلوغ یک جامعه اند، به علاوه، ما را ملزم می کنند که درباره نهاد های جامعه، حساس باقی بمانیم و به کسانی که از نظام بیگانه شده اند، کمک کنیم که احساس تعهد به آن را در خود پرورش دهند. متعهد بودن آن چیز است که ما را از درون، به دلیل بار ارزشی و هنجاری اش برای ما، به مشارکت در جامعه و تلاش برای بهبود آن سوق می دهد. تعهداتی که در حال حاضر، مورد تأکید جامعه شناسان هستند و به نوعی نقطه اشتراک بحث های طویل نظری میان لیبرالیست ها و اجتماع گرایانند، عموماً عبارتند از: شرکت در نهادهای غیردولتی، احترام به تفاوت ها، تلاش برای حفظ محیط زیست، حمایت از محرومان جامعه و ... به این ترتیب، تعهدات عمدتاً به مشارکت اجتماعی - سیاسی آگاهانه افراد در حیات جمعی اشاره دارد.

پیشینه موضوع و مباحث نظری

رخدادی که در سال ۱۹۶۴م در شهر نیویورک آمریکا اتفاق افتاد، باعث آغاز پژوهش ها در حوزه بی تفاوتی اجتماعی شد. در این واقعه، یک زن در برابر ۳۸ تن به قتل رسید، بدون اینکه تلاشی

1 duties

2 obligation

از سوی این افراد برای نجات این زن صورت بگیرد. در سطح جامعه، این واقعه اندیشمندان را بر آن داشت تا بی‌تفاوتی را مطالعه کنند. برخی پژوهشگران اجتماعی نوع‌دوستی و بی‌تفاوتی را به‌میزان درونی‌سازی هنجارهای اجتماعی تقابل، انصاف و مسئولیت‌پذیری نسبت می‌دهند. نظریه‌پردازانی که در حوزه یادگیری اجتماعی کار کرده‌اند، نوع‌دوستی و بی‌تفاوتی را برحسب یادگیری‌های گذشته افراد تبیین می‌کنند و تأثیر الگو را مؤثر بر رفتار ناشی از نوع‌دوستی یا بی‌تفاوتی می‌دانند. پژوهش‌های مختلف ثابت کرده‌اند که بی‌تفاوتی، ارتباط مستقیم و معنادار با مشاهده یا عدم مشاهده الگوهای نوع‌دوستانه یا بی‌تفاوتی دارد. لاتانه و دارلی بی‌تفاوتی را برحسب فرایندی پنج مرحله‌ای تشریح می‌کنند:

۱ - درک موقعیت: فرد متوجه شود که چیزی اتفاق افتاده

۲ - تفسیر موقعیت به‌صورت کمک‌خواهی: موقعیت اضطراری باشد و کسی به کمک نیاز داشته باشد.

۳ - به‌عهده گرفتن مسئولیت: فرد ناظر خود را مسئول بداند و احساس مسئولیت کند.

۴ - پیدا کردن راه کمک‌رسانی: ناظر باید دانش، تجربه و مهارت‌های لازم را داشته باشد.

۵ - تصمیم‌گیری نهایی: فرد ناظر پیامدهای مداخله کردن یا نکردن را مقایسه می‌کند.

به اعتقاد لاتانه و دارلی، بی‌تفاوتی یا نوع‌دوستی، وابسته به پاسخی است که ناظران به هریک از این مراحل می‌دهند؛ اگر پاسخ در هر مرحله منفی باشد بی‌تفاوتی حاصل می‌شود و اگر پاسخ به این مراحل مثبت باشد، نوع‌دوستی رخ می‌دهد (Latane, B.; Darly, J.M., 1970:76)

به اعتقاد باتسون هنگام مواجهه با وضعیت‌های اضطراری که در آن فرد یا افرادی به کمک نیاز دارند، اگر فرد ناظر بتواند با فرد نیازمند همدلی کند، رفتار نوع‌دوستانه از خود بروز می‌دهد، در غیر این صورت، با بی‌تفاوتی از کنار صحنه خواهد گذشت، مگر اینکه مطمئن شود در نتیجه نوع‌دوستی، منفعتی به‌دست خواهد آورد (C. Batson, D, 1981: 132).

برخی پژوهشگران اجتماعی، نوع‌دوستی و بی‌تفاوتی را به‌میزان درونی‌سازی هنجارهای اجتماعی تقابل^۱، انصاف^۲ و مسئولیت‌پذیری^۳ نسبت می‌دهند (B. Wiggins. J.A; Wiggins, B, 1994: 213).

پژوهش‌ها نشان می‌دهد درونی‌سازی هرچه بیشتر هنجارهای تقابل و انصاف که در ذات خود، مستلزم نوعی تحلیل هزینه - فایده هستند، باعث تمایل بیشتر به بی‌تفاوتی و درونی‌سازی

1 reciprocity

2 equity

3 responsibility

هرچه بیشتر هنجار مسئولیت‌پذیری باعث تمایل بیشتر به نوع دوستی می‌شود (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۶).

دورکیم^۱ برخی پیامدهای تمدن را در زندگی اجتماعی، ریشه رفتار بی‌تفاوتی شهروندان می‌داند. از نظر دورکیم، ویژگی‌های زندگی متمدن همچون تراکم جمعیت، تقسیم کار، از بین رفتن هویت‌های محلی و نیز تضادهای فرهنگی، می‌تواند سبب ایجاد وضعیتی شود که در آن جامعه مدرن شده، به سمت فردگرایی شدید و درگیری با پیامدهایی چون بی‌تفاوتی، افسردگی، خودکشی و... حرکت کند.

وبر^۲ بی‌تفاوتی را در عقلانیت خشک، رسمی و بی‌روحی می‌دید که بشر را به سوی نوعی عقل‌گرایی ابزاری پیش می‌برد. او معتقد بود افراد در نظام دیوان‌سالاری حس خلاقیت، فردیت و آزادی خود را از دست می‌دهند و از این منظر، نوعی بی‌تفاوتی را در جامعه تداعی می‌کند. رایزمن^۳ در کتاب «انبوه تنها» اولین مرحله رشد جوامع را شکل‌گیری جوامع سنتی می‌داند که بر آنها جبر سنتی حاکم است و بین اعضای آن ارتباطات عاطفی جدی و محکم وجود دارد. در مسیر پویای جوامع سنتی به سمت مدرن شدن جامعه وارد وضعیت دوم می‌شود. در این وضعیت، افراد به دلیل مشخص نبودن سرنوشت و آینده تحولات و بی‌ثباتی موجود در وضعیت، گذار، ناگزیر به تمرکز بر حفظ منافع و مصالح فردی و در نتیجه، به طور شدیدی فردگرا می‌شوند. در این نوع جامعه، ویژگی‌هایی چون عقل‌گرایی مطلق، حساس‌گری و کنش‌های منطقی بر پایه هزینه - فایده تشدید می‌شود و بی‌تفاوتی به اوج می‌رسد. در مرحله سوم، جامعه برون‌نگر شکل می‌گیرد. در این جامعه، افراد از لاک فردگرایی خارج می‌شوند و به سمت جمع‌گرایی و توده‌ای شدن می‌روند. در این مرحله، جوامع زیر تأثیر نهادها محافل جمعی و به‌ویژه رسانه‌ها هستند. رسانه‌هایی که کارکرد اصلی آنها همسان‌سازی است. در جامعه همسان‌شده، مفهومی با عنوان انبوه تنها شکل می‌گیرد به این معنا که فرد در جامعه حضور دارد، جزئی از آن به‌شمار می‌رود و حتی در آن حل شده است، اما شناخت درستی از جامعه و دیگر اعضای آن ندارد و به شکل موجودی منفعل و تاثیرپذیر در می‌آید. در این شرایط، مشارکت افراد در فرایندهایی چون حضور پای صندوق‌های رأی محدود و در کارکردهایی چون همیاری اجتماعی نادیده گرفته می‌شود (کاظمی، ۱۳۹۰: ۴۳).

1 Durkheim

2 Weber

3 Riesman

جان پیلیاوین در چارچوب نظریهٔ مبادلهٔ اجتماعی^۱، یک نظریهٔ پنج‌مرحله‌ای را در تبیین بی‌تفاوتی و نوع‌دوستی مطرح می‌کند که بنیاد آن محاسبه هزینه-پاداش (cost-reward analysis) است. به اعتقاد پیلیوان، افراد ناظر در هنگام مواجهه با حالت‌های اضطراری، به سرعت هزینه‌ها و پاداش‌های نوع‌دوستی و بی‌تفاوتی را بررسی می‌کنند. در صورتی که هزینهٔ کمک کردن پایین و هزینهٔ کمک نکردن بالا باشد، فرد ناظر اقدام به نوع‌دوستی خواهد کرد و در صورتی که هزینهٔ کمک کردن بالا و هزینهٔ کمک نکردن پایین باشد، فرد ناظر با بی‌تفاوتی از کنار صحنه خواهد گذشت (Pilivan, 1990: 234).

زیست‌شناسان اجتماعی، بی‌تفاوتی و نوع‌دوستی را بر مبنای اصول زیستی، گزینش خویشاوند^۲ و شباهت ژنتیکی تبیین می‌کنند. به‌زعم آنان نوع‌دوستی عموماً معطوف به خویشاوندان و بستگان بسیار نزدیک است، یعنی در بین کسانی که با یکدیگر رابطهٔ خونی و ژنتیک دارند و در درجات بعد، به سمت اقوام دورتر، دوستان نزدیک، همسایه‌ها و سرانجام غریبه‌هاست که به نحوی با یکدیگر شباهت دارند. در نقطهٔ مقابل، بی‌تفاوتی نیز ریشه در عدم توارث و عدم شباهت دارد. به عبارت بهتر، بی‌تفاوتی عمدتاً نسبت به غریبه‌ها و بیگانه‌ها صورت می‌گیرد؛ یعنی کسانی که هیچ مشابهت یا رابطهٔ خونی و ژنتیکی با یکدیگر ندارند (Deaux, 1990: 211).

پژوهش گستردهٔ آلیس روسی و پیتر روسی دربارهٔ تمایل به نوع‌دوستی در سه گروه خویشاوندان خونی، خویشاوندان نسبی و غیر خویشاوندان (Rossi, 1990: 122)، پژوهش برنشتاین، کراندال و کیتایاما دربارهٔ تمایل به نوع‌دوستی در وضعیت‌های بسیار اضطراری که در آن خطرهای جانی وجود دارد (Burnstein and others, 1994: 543) و آزمایش‌های امسویلر (Emswiller and others, 1971: 239) و کارابنیک (Karabenick and others, 1972) درباره تمایل به نوع‌دوستی در حالت‌هایی که شباهت‌های ژنتیکی بین ناظر و نیازمند وجود دارد، نشان می‌دهد که اصول زیستی و ژنتیکی، نقش تعیین‌کننده‌ای در بروز نوع‌دوستی و بی‌تفاوتی دارند (به نقل از کلانتری و دیگران، ۱۳۸۶).

بلومبرگ از دریچهٔ تعهد اجتماعی وارد این بحث می‌شود. از دیدگاه وی تعهدات به دو دستهٔ تحمیلی بیرونی و تحمیلی درونی تقسیم می‌شوند. تعهدات بیرونی به‌واسطهٔ یک قرارداد به افراد

1 social exchange

2 kin selection

تحمیل می‌شود، مانند ازدواج که برای هریک از دو همسر نقشی را به‌وجود می‌آورد و آنان خود را موظف به ایفای نقش در آن می‌دانند. تعهدات درونی حاصل روابط افراد با هم است که بدون اینکه قرارداد یا پیمانی در کار باشد، به‌وجود می‌آید، مانند نقش فرزندی و نقش پدر - مادری. اگر افراد به تعهد دیگران اعتقاد نداشته باشند، وفاداری را به روابط متقابل خود از دست می‌دهند (Blumberg, 1990: 765).

همان‌طور که ملاحظه شد، نظریه‌پردازان کلاسیک و مدرن هریک به‌گونه‌ای و از زاویه‌ای به موضوع بی‌تفاوتی نگریسته‌اند و از زوایای گاه متفاوت آن را بررسی کرده‌اند. که ما برخی از این نظریات را مرور کردیم. همان‌طور که در جمع‌بندی و تحلیل مصاحبه‌ها و استخراج مدل پارادایمی مشاهده خواهیم کرد، این مباحث، لازمه‌ی درک حساسیت نظری هستند و هریک در جای خود به فهم و درک بهتر موضوع کمک می‌کنند.

با وجود اهمیت اخلاقی و اساسی بی‌تفاوتی - نوع‌دوستی در روابط اجتماعی که در غرب از دهه ۱۹۶۰ به شکل علمی مورد توجه قرار گرفته است، در ایران به این موضوع کمتر توجه شده است. با وجود ارزش‌های ملی و دینی که بر نوع‌دوستی تأکید می‌کنند، در سال‌های اخیر، کمتر شاهد این پدیده هستیم. در پژوهشی که علیرضا محسنی تبریزی و دیگران با عنوان «پژوهشی درباره بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران» انجام داده‌اند، ثابت شده است که بی‌تفاوتی اجتماعی در تهران بیش از حد متوسط وجود دارد که این قضیه نشان از بی‌اعتمادی، بی‌هنجاری، نارضایتی و... دارد (محسنی تبریزی، ۱۳۹۰: ۲۳). در پژوهش دیگری که صمد کلانتری و دیگران انجام داده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که در مواجهه با وضعیت‌های اضطراری، نسبت نوع‌دوستی در جامعه شهری ایران بیش از ۷۰ درصد و نسبت بی‌تفاوتی کمتر از ۳۰ درصد است (کلانتری، ۱۳۸۶: ۴۵). نتایج این دو تحقیق، متناقض به نظر می‌رسند و این می‌تواند به‌علت شیوه جمع‌آوری اطلاعات و به‌وجود آوردن وضعیت اضطراری در پژوهش دوم باشد.

استوارت فاکس (2015) بی‌تفاوتی و بیگانگی سیاسی را در میان جوانان امروز یا به اصطلاح نسل هزاره (millennials) بررسی می‌کند. از نظر او عقیده عمومی، نسل هزاره را از لحاظ سیاسی نسل از خود بیگانه می‌داند. دشمنی آنها با احزاب سیاسی، دوری از جنبش‌های اعتراضی، اجتماع انتخاباتی اندک، همه از بیگانگی آنها از فرایند و نهادهای دموکراسی غرب حکایت می‌کنند. هزاره‌ها نسل سیاسی متفاوتی هستند در مشارکت سیاسی، بی‌تفاوتی سیاسی و بیگانگی سیاسی. فاکس، عقیده عمومی را درباره از خود بیگانگی نسل هزاره به چالش

می‌کشد و نهایتاً به این نتیجه می‌رسد که هزاره‌ها پتانسیل این را دارند که از نظر سیاسی بی‌تفاوت‌ترین بشوند و درعین حال، کم‌ترین بیگانگی سیاسی را داشته باشند. این نسل، پس از جنگ جهانی دوم، دارای بیشترین میزان بی‌تفاوتی و کمترین میزان از خود بیگانگی است و با این ویژگی‌ها وارد انتخابات بریتانیا شده است. نتیجه دیگر این تحقیق، بارز بودن تفاوت نسلی است که توضیح بی‌تفاوتی، بیگانگی و مشارکت را محدود می‌کند. این نسل کمترین بیگانگی را در دو بُعد بی‌قدرتی سیاسی و بی‌احتیاطی سیاسی دارند و در سیاست‌های رسمی مشارکت ندارند. نتیجه اینکه عقیده عمومی درباره فعالیت سیاسی نسل هزاره نادرست است.

جنیفر نیومن، بی‌تفاوتی اجتماعی را در محیط کار بررسی می‌کند. از نظر او بی‌تفاوتی، به نبود شور، هیجان یا علاقه به رخدادهای اجتماعی اطلاق می‌شود. رفتار ناشی از بی‌تفاوتی بر رفتار کاری اثر می‌گذارد تا آرامی و بی‌قراری را رواج می‌دهد. بی‌تفاوتی اجتماعی می‌تواند با منفی‌نگری، نگرانی، افسردگی، بی‌ارزش بودن، خودخواهی و احساس ناکافی بودن مرتبط باشد. مشارکت نداشتن در علاقه‌مندی‌ها می‌تواند به معنای اعتراض به چیزی باشد. مدیران باید به نشانه بی‌تفاوتی کارکنان توجه کنند. بی‌تفاوتی مدیران، بی‌تفاوتی کارکنان را به دنبال خواهد داشت (Jenifer newman, 2017: Site).

روش پژوهش

این پژوهش با روش کیفی و با رویکرد نظریه مبنایی انجام شده است. استراس می‌نویسد: منظور ما از تحقیق کیفی، عبارت از هر نوع تحقیقی است که یافته‌هایی را به دست می‌دهند که با شیوه‌هایی غیر از روش‌های آماری یا هرگونه کمی کردن کسب نشده‌اند. شیوه مذکور، ممکن است به تحقیق در زندگی افراد، شرح حال‌ها، رفتارها و همچنین درباره کارکرد سازمانی، جنبش‌های اجتماعی یا روابط بین‌الملل معطوف باشد (استراس و کوربین، ۱۳۸۵: ۴۵). در این روش، نکته مهم مقدم‌نبودن نظریه است و اینکه نظریه در طول پژوهش ساخته می‌شود. در منابع مختلف، از این روش با نام «روش تئوری زمینه‌ای» یا «نظریه داده‌بنیاد» یاد کرده‌اند:

«روش تئوری زمینه‌ای یا نظریه داده بنیاد، یک شیوه پژوهش کیفی است که به وسیله آن با استفاده از یک دسته داده‌ها، نظریه‌ای تکوین می‌یابد؛ به طوری که این نظریه، یک فرایند، عمل یا تعامل را تبیین می‌کند. در این روش، پژوهش را هرگز از یک نظریه شروع نمی‌کنند و بعد آن را به اثبات برسانند، بلکه پژوهش از یک دوره مطالعاتی شروع و

فرصت داده می‌شود تا آنچه متناسب و مربوط به آن است، خود را نشان دهد (رستگار و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۲).

با به‌کارگیری نظریهٔ مبنایی، می‌خواهیم نظریه‌ای داشته باشیم که پیوندی عمیق با داده‌های ما داشته باشد. همچنان که مبدعان این روش‌شناسی مدعی شده‌اند. نظریه‌ای که به این روش ساخته می‌شود حداقل با یک مورد تطبیق کامل دارد (سفیری، ۱۳۸۷: ۱۷). واحدهای نمونه‌گیری در این پژوهش، افرادی که با آنها مصاحبه شده است. برای انتخاب نمونه‌ها در مرحله نخست، از روش نمونه‌گیری تعیین از قبل استفاده کردیم به‌گونه‌ای که ویژگی‌های مدنظر در نمونه قرار بگیرند. در مرحلهٔ بعد، معیارهای مورد نظر دیگر که در طی محاسبه به آنها رسیدیم، اضافه شد تا به تحلیل کامل‌تر رسیدیم. نمونه‌ها، از دو جنس زن و مرد و از گروه‌های سنی مختلف انتخاب شدند تا نظر این گروه‌ها را به‌شکل تلفیقی داشته باشیم. نهایتاً و با در نظر گرفتن این شرایط، ۳۰ مصاحبه انجام گرفت.

جدول شماره ۱- نام و مشخصات مصاحبه‌شوندگان

ردیف	نام	سن	تحصیلات
۱	سوری	۵۲	لیسانس
۲	سارا	۴۵	لیسانس
۳	هما	۵۰	فوق لیسانس
۴	مریم	۱۷	دانش آموز
۵	زهره	۴۶	لیسانس
۶	پرنیان	۱۹	دیپلم
۷	رضا	۴۷	فوق لیسانس
۸	محمدجواد	۵۰	فوق لیسانس
۹	محمدعلی	۳۰	فوق لیسانس
۱۰	هادی	۳۶	فوق لیسانس
۱۱	امیر	۳۲	لیسانس
۱۲	اعظم	۳۲	لیسانس
۱۳	زیبا	۴۳	فوق لیسانس
۱۴	مهتاب	۳۱	لیسانس
۱۵	لیلا	۲۹	فوق لیسانس
۱۶	زهرا	۳۶	دکتری
۱۷	زهرا	۴۵	لیسانس

ادامه جدول شماره ۱- نام و مشخصات مصاحبه شونده‌گان

ردیف	نام	سن	تحصیلات
۱۸	فریده	۳۷	لیسانس
۱۹	آزاده	۴۶	فوق لیسانس
۲۰	فاطمه	۳۴	لیسانس
۲۱	اعظم	۴۸	لیسانس
۲۲	فائزه	۴۸	حوزوی
۲۳	فاطمه	۴۸	لیسانس
۲۴	نرگس	۴۷	دیپلم
۲۵	اقدس	۴۷	فوق لیسانس
۲۶	کتابیون	۴۷	فوق لیسانس
۲۷	آمنه	۴۶	لیسانس
۲۸	ریحانه	۴۷	لیسانس
۲۹	آزیتا	۴۶	لیسانس
۳۰	مهدی	۴۵	فوق لیسانس

سرانجام برای استفاده از داده‌ها و تحلیل آنها مصاحبه‌ها پیاده شد و کدگذاری انجام شد. مصاحبه‌ها در تهران و در بهار ۱۳۹۷ انجام شدند. برای تحلیل داده‌ها از کدگذاری نظری استفاده کردیم که روشی در تدوین داده‌ها برای طراحی نظریه است. این روش، توسط کلیرز و اشتراوس^۱ مطرح گردید و توسط خود آنها و همچنین اشتراوس و کوربین^۲ بسط پیدا کرد (فلیک، ۱۳۸۸: ۱۱۲).

ابتدا درک افراد را از مفهوم بی‌تفاوتی استخراج کردیم:

درک از مفهوم

- با بی‌تفاوتی قضیه‌ای را تماشا کردن
- فیلم گرفتن از حادثه
- نبود احساس مسئولیت
- تماشای قضیه‌ای که در آن به کمک افراد نیاز است
- نبود حس نوع‌دوستی

1 Strauss

2 Corbin

- در مواجهه با موقعیت‌ها بی تفاوت بودن

- بی حسی در جامعه

- نبود واکنش به ناهنجاری‌های موجود در جامعه

- نبود واکنش فعال مردم در برابر مسائل اجتماعی

- نبود حس مسئولیت اجتماعی

تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که در مواقع اضطراری، افراد به گونه‌هایی مختلف عکس‌العمل نشان می‌دهند و بی تفاوتی بقیه را نیز به انواع مختلف تفسیر می‌کنند. کنار کشیدن مردم را در مواقع اضطراری ناشی از فردی دیدن آنها می‌دانند. زهره می‌گوید:

«مردم مشکلات را خصوصی می‌بینند. من در ماجرا دخیل نیستم، مشکل تو هست... به من مربوط نیست.»

مریم از زاویه دیگری به موضوع نگاه می‌کند. او فیلمبرداری از وقایع را به جای کمک‌رسانی نقد می‌کند، اما در نهایت به اینکه افراد معتقدند به قضیه به آنها مربوط نیست می‌رسد:

«...اینکه تو فضای مجازی مطرح بشن و بگن خیر جدید دارن مهم‌تره... [کمک کردن] براشون مهم نیست، چون مربوط به خودشون نیست.»

اردشیر، فردگرایی را با عبارت «گرفتاری گسترده مردم در امور اقتصادی و فرهنگی» مطرح می‌کند.

کاهش حس نوع‌دوستی و آشفستگی در ارزش‌ها نیز از دید اعظم به بی تفاوتی دامن می‌زند:

«... من نمی‌دونم به بچه ام یاد بدم کمک به مردم خوبه یا اینکه سری که درد نمی‌کنه دستمال نمی‌بندن... ارزش‌ها آشفته شده‌اند و در نتیجه حس نوع‌دوستی نسبت به نسل قبل کم شده و نتیجه اینکه همه نسبت به اطرافشون بی تفاوت می‌شن.»

زهره معتقد است فردگرایی ظاهر قضیه است و لایه زیرین خشم پنهانی است که مردم از حکومت دادند و می‌خواهند فضا را آشفته نشان دهند:

«... از نظام انتقام می‌گیرن، اما با قربانی شدن یک بی‌گناه، مقصر این وقایع رو حکومت می‌دونن... می‌گن به من چه، خودشون جمعش کنه. زورشون به همدیگه می‌رسه...»

هادی:

«برنامه‌ها و اهداف فردی طرح‌ریزی می‌شه نه اجتماعی... آدم‌ها تک محور می‌شن و هیچ حس گروهی یا اجتماعی ندارند.»

علل و عوامل مؤثر

ایجاد هیجان: مطرح‌شدن و به‌چشم آمدن: هما:

«... به‌خاطر نشان‌دادن به بقیه و هیجان فیلم می‌گیرند...».

فاطمه:

«... به نظر مردم جذاب میاد... میخوان رسانه‌ای کنن توی رسانه هیجان کمه...».

امیر:

«... به‌علت کمبود ارتباطات مردم تمایل دارند تو فضای مجازی حلقه مفقوده را پیدا کنند...» .

در دنیای مجازی با اتفاق خاص ابراز وجود می‌کنند...».

انتخاب عقلانی: ترس: بسیاری از افراد ترس را عامل بی‌تفاوتی ظاهری در مواقع اضطراری

می‌دانند. البته مواقع اضطراری که ممکن است عواقبی جانی داشته باشد یا درگیر شهادت دادن

و... شوند. به هر حال ترس واکنش طبیعی افراد برای حفظ جان، موقعیت و... است.

هانیه می‌گوید:

«مثلاً در قضیه میدون کاج مردم زیاد بودند... ولی عکس‌العمل نشون ندادن... ترسیدن... یا

باید ذی‌نفع باشن یا قدرتمند... آدم معمولی یا عابر احتمال کمی داره که ریسک کنه... حق

نداریم توقع درگیری از مردم داشته باشیم...».

فاطمه:

«... بعضی می‌ترسند و میرن... من جایی که مردم جمع می‌شن نگاه نمی‌کنم... توانایی

ندارم... من آگه میدون کاج بودم، هیچ کاری نمی‌تونستم بکنم...».

زهره:

«... مردم خودشونو درگیر ماجراهای بی‌ربط نمی‌کنن... مثلاً بیان شهادت بدن یا...».

مریم:

«... مردم می‌ترسند خودشون آسیب ببینند و مطرح‌شدن برایشون مهم‌تره».

تأمین نشدن نیازهای اولیه: نیازهای معیشتی، اولین نیازهایی هستند که باید برآورده

شوند تا فرد به رفع نیازهای بالاتر برسد. طبق نظریه نیازهای مزلو تا وقتی نیازهای معیشتی و

نیاز به امنیت رفع نشود، فرد به ارضای نیازهای بعدی دست نمی‌یابد.

علی می‌گوید:

«... دغدغه نان نمیزاره مردم به مسایل دیگه فکر کنند. خیلی‌ها چند شغل خیلی‌ها زمان

برایشون مهمه و باید نون دربیارن بخوان درگیر مسایل دیگران بشن زمان را از دست

می‌دهند...».

تقلیل گرایبی: خیلی‌ها کمک‌های موردی را بی‌فایده می‌دانند و معتقدند با این کارها به جایی نمی‌رسیم و کمک بی‌فایده است و شرایط اجتماعی این‌گونه اصلاح نمی‌شود.
فاطمه:

«طرف فکر می‌کنه اگه کمک کنه نتیجه‌ای نداره... چون زورش مثلاً به کسی که چاقو یا اسلحه داره نمیرسه... این کار فقط باعث میشه خودش هم آسیب ببینه... تازه میگه من که هرچی میدوم به جایی نمی‌رسم حالا سلامتیم از دست بدم که چی؟...»

آموزش نادرست: برخی آموزش‌ها و کارهای فردی را نتیجه آموزش فردی از دوران مدرسه می‌دانند و اینکه آموزش روابط اجتماعی مفقود است یا به عبارتی مهارت زندگی کردن آموزش داده نمی‌شود. از سوی دیگر ما فرا نگرفته ایم که در موقعیت‌های اضطراری چه باید بکنیم؟
هادی:

«آموزش ما با امر ونهیه نه شناخت... گفتگو نمی‌کنیم... نسبت به هم بیگانه‌ایم... والدین به روابط اجتماعی کمتر از ریاضی و فیزیک اهمیت میدن...»

استراتژی‌ها:

تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد افراد دو‌گونه استراتژی را در پیش می‌گیرند:
- کنشگر (فعال): که سعی می‌کنند با واسطه یا بی‌واسطه به یاری فرد یا افرادی بشتابند که نیازمند یاری هستند واز کنار واقعه عبور نمی‌کنند.
- گروه دوم نظاره‌گرند و به حواشی واقعه بیشتر توجه دارند و به اصل قضیه توجه نمی‌کنند یا درکی از موقعیت ندارند. بیشتر سعی می‌کنند اتفاق را نشر دهند و دیگران را مطلع کنند.
افراد از طریق فعال بودن یا در حاشیه بودن بر پدیده مرکزی (فردگرایی) تأثیر می‌گذارند.

پیامدها: تنهایی و هرج و مرج

تنهایی: انسان جمعی و تعریف انسان در جامعه در ارتباط با انسان‌های دیگر از بین می‌رود و طبیعی است که انسان‌ها به تنهایی قادر به حل تمامی مشکلات خود نیستند و جامعه، به‌سان بدنی می‌شود که حس خود را از دست داده و فلج است.
امیر:

«...خب وقتی به مشکلات بی‌اعتنایم تنها می‌مونم... وقتی من به کسی کمک نمی‌کنم اون هم خودشو موظف نمیدونه مثلاً به من پولی قرض بده یا ازم احوالی بپرسه...»

هرج و مرج: تعهد اجتماعی نوعی ارتباط را تعریف می‌کند که افراد در آن طبق معیارهایی که قانون، عرف یا اخلاق برای آنها معین می‌کند، با هم مرتبط‌اند. در نبود تعهد اجتماعی، بی‌تفاوتی‌ها پدید می‌آید که موارد ذکر شده را نادیده می‌گیرد و به هرج و مرج در روابط و رفتارها می‌انجامد.

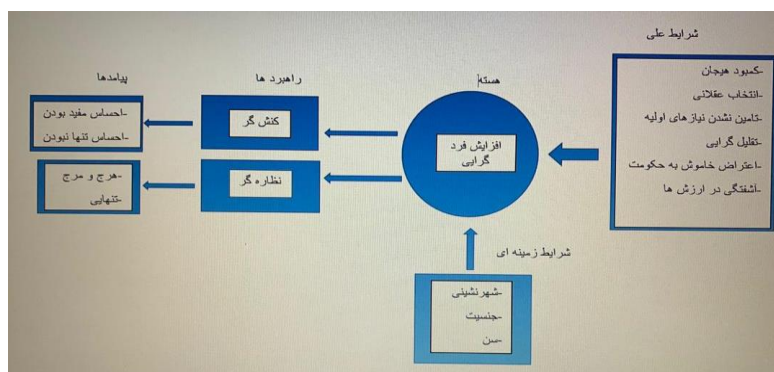
زیبا:

«افراد در مواقع اضطراری مثلاً تصادف یا دعوا هیچ فشار اجتماعی، اخلاقی یا حرفی رو حس نمی‌کنن که برن کمک کنن... وجدان جمعی خیلی‌ها رو مجبور به اطاعت نکرده... این روزها تو خیابون که میری خیلی راحت می‌بینی که چند نفر سر به موضوع کوچیک به هم پریدن و هیچ‌کس هم سعی نمی‌کنه جداشون کنه... چند روز پیش یکی از فامیلامون می‌گفت تو ماشین نشسته بودم دو نفر سوار شدن، یکی از پشت می‌زد تو سر و صورتم یکی هم لپ تاپم رو برداشت و برد... جلوتر به آقایی نگاهمون می‌کرد بعد از فرار اونا، که البته نتونستم بگیرمشون، ازش پرسیدم تو که دیدی چرا نیومدی کمک؟ گفت فکر کردم دعوا خانوادگیه!!!».

یعنی درک مردم از دعوا، معمولاً خصوصی بودن و در نتیجه، ممنوعیت دخالت در آن است.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که ملاحظه شد، مصاحبه‌شوندگان مطالب متفاوتی را دربارهٔ موضوع بی‌تفاوتی و تجربهٔ خود در این حوزه مطرح کرده‌اند. همچنین علل و عوامل و پیامدهای متفاوتی را برای این موضوع ذکر کرده‌اند. همان‌طور که درک آنها از مفهوم بی‌تفاوتی، با توجه به تجارب و عوامل دیگر ممکن است متفاوت باشد. مجموعه داده‌ها را در مدلی پارادایمی به این شکل جا داده‌ایم:



طبق مدل پارادایمی، شرایطی چون کمبود هیجان، انتخاب عقلانی (به معنی ضروری ندیدن خطرکردن در سطوح مختلف) تأمین نشدن نیازهای اولیه، تقلیل‌گرایی (به معنی خصوصی دیدن مشکلات)، اعتراض خاموش به حکومت و آشفتگی در ارزش‌ها به پدیده فردگرایی دامن می‌زنند. همهٔ مواردی که به‌عنوان شرایط علی مطرح شده‌اند، به‌گونه‌ای فرد را به سمت «خود» و نه «جمع» سوق می‌دهند. به‌عنوان مثال، در بسیاری موارد، فرد آن‌قدر درگیر تأمین نیازهای اولیه می‌ماند (به‌معنایی که مزلو در نظر دارد)، که توجهی به اطراف ندارد و یا تصور می‌کند در صورت درگیر شدن، ممکن است حداقل تأمین زندگی را از دست بدهد و یا ارزش‌ها از سویی فرد را به حفظ حریم خود می‌خوانند (چراغی که به خانه رواست، به مسجد حرام است) و از سوی دیگر نوع‌دوستی را تکریم می‌کنند (تو نیکی می‌کن و در دجله انداز، که ایزد در بیابانت دهد باز).

این نکته، آشفتگی ارزشی و یا آنومی دورکیم را به‌خاطر می‌آورد که با توجه به آن، عوملی چون انقلاب و تغییر حکومت ارزش‌ها تغییر می‌کنند و تا برقراری ارزش‌های جدید، به‌جای ارزش‌های قدیمی، افراد نوعی آشفتگی و سردرگمی را تجربه می‌کنند. در جامعهٔ ایران و نسل جوان، به‌علت فاصلهٔ نسلی با نسل قبل از خود و شرایط خاص نسل پیشین، نوعی سردرگمی و سرگردانی و نپذیرفتن ارزش‌ها وجود دارد.

از سوی دیگر، «تغییرات ارزشی ایجادشده، موجب ساختارشکنی شده و مردم با درک وضعیت موجود بر حفظ روابط خویشاوندی و تعاملی خود و حفظ اصول و اعتقادات تأکید دارند» (میرمحمد میرزایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۱) که در عمل هم می‌بینیم مردم معمولاً در روابط خویشاوندی دربارهٔ مشکلات یکدیگر حساس‌ترند تا افراد غریبه.

در ادامه، افراد در مواجهه با موقعیت‌ها دو نوع راهبرد کنشگری یا نظاره‌گری را برمی‌گزینند؛ به این معنی که افرادی در مواجهه با صحنه‌هایی که نیاز به کمک هست، وارد عمل می‌شوند؛ به این گروه، کنشگر می‌گوییم. این افراد در حد توان، به فرد نیازمند یاری، کمک می‌کنند و تلاش می‌کنند به گونه‌ای، دیگران را به کمک و یاری تشویق کنند. گروه دیگر، راهبرد نظاره‌گری را در پیش می‌گیرند. این افراد از کنار صحنه عبور می‌کنند و یا حداکثر به‌منظور طرح خود در مجامع مختلف یا شبکه‌های اجتماعی فیلم و عکس تهیه می‌کنند. این افراد، به هر دلیلی، قصد کمک‌رسانی ندارند. پیامد راهبرد کنشگری احساس مفید

بودن و احساس تنها نبودن در صورت نیازاست و نظاره‌گران هرج و مرج را باعث می‌شوند و احساس تنهایی را تجربه می‌کنند.

به نظر می‌رسد، طبق نظر لاتانه و دارلی که بی‌تفاوتی را فرایندی پنج مرحله‌ای می‌دانند، افراد، در مرحله تفسیر موقعیت به شکل کمک‌خواهی و به‌عهده گرفتن مسئولیت، مشکل دارند و این برعهده علمای علم‌الاجتماع و معلمان اخلاق است که به شکل ابتکاری و جدی روی این دو مقوله کار کنند و ناکارآمدی عرف و اخلاق را در این زمینه‌ها اصلاح نمایند.

همچنین به نظر می‌رسد مقایسه هزینه و فایده در این زمینه، تأثیر قابل ملاحظه‌ای دارد. به‌گونه‌ای که افراد، هزینه اعمال مسئولیت اجتماعی را بسیار بالاتر از فایده آن می‌بینند. نکته مهم دیگر در این حوزه، حقوق اجتماعی شهروندان است. در برابر هر تکلیفی، شهروندان دارای حقی هستند که توجه به کتب درسی به نظر می‌رسد این حقوق چندان جدی گرفته نشده است. «باید از سیاستگذاران و تصمیم‌گیران در خصوص برجسته‌نشدن حقوق اجتماعی شهروندان در کتب درسی سؤال شود. به نظر می‌رسد انگاره‌ای که توسط کتاب‌های درسی در ذهن دانش‌آموزان «کاشت» می‌شود، انگاره و تصویر شهروندی نیست که بر اساس قانون، دارای حقوق گسترده اجتماعی است؛ به طوری که در برابر تکالیفی چون شرکت در کارهای داوطلبانه، شرکت در انتخابات، مراقبت از اموال عمومی و مراقب از محیط‌زیست، حقی برای شهروندان در نظر گرفته نشده است...» (پوریان و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۵۶).

به هر حال، ریشه مشکل بی‌تفاوتی، نخست در آموزش و سپس در قانون ناکارآمد است. در گذشته، بسیاری از مشکلات در ساختار سنتی حل می‌شد، اما با از میان رفتن آن، ساختار جدیدی جانشین نشده و شرایط گذار نیز مزید بر علت شده و بی‌تفاوتی را افزایش داده است، اما نهایتاً باید گفت که زمینه اجتماعی و مواردی از قبیل اعتماد، همبستگی، روابط عاطفی و... نیازمند بازنگری و اصلاحند.

منابع

- استراس، انسلم و جولیت، کوربین (۱۳۸۵) اصول روش تحقیق کیفی، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بخارایی، محمد (۱۳۹۷) سایت خبر آنلاین.
- پوریان، عزت‌الله و دیگران (۱۳۹۷) شهروندی اجتماعی در کتاب‌های درسی، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۵۲.
- چلیپی، مسعود (۱۳۷۵) جامعه‌شناسی نظم. تهران: نشر نی.
- خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۷.
- دورکیم، امیل (۱۳۷۸) خودکشی، ترجمه نادر سالارزاده امیری، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- رستگار، امیر و دیگران (۱۳۹۷) الگوی دیپلماسی رسانه‌ای در مراکز روابط عمومی: یک مطالعه کیفی، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۵۳.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸) انومی یا اشفنگی اجتماعی، تهران: سروش.
- سفیری، خدیجه (۱۳۸۷) روش تحقیق کیفی، تهران: نشر پیام پویا.
- صداقتی فرد، مصطفی (۱۳۹۲). بی تفاوتی اجتماعی. اصفهان: بهتا پژوهش.
- فیلک، اووه (۱۳۸۸) روش تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- کاظمی، سیدمحمد (۱۳۹۰) سایت خبرگزاری جمهوری اسلامی.
- کلانتری، صمد و دیگران (۱۳۸۶) بررسی بی تفاوتی و نوع دوستی در جامعه شهری ایران و عوامل مؤثر بر آن، دو ماهنامه علمی - پژوهشی دانشگاه شاهد، شماره ۲۲.
- محسنی تبریزی، علیرضا و دیگران (۱۳۹۰) پژوهشی درباره بی تفاوتی اجتماعی در ایران، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۴۳.
- میر محمد میرزایی، سیده زهرا و دیگران (۱۳۹۵) مطالعه کیفی جهانی شدن و تغییرات خانواده در شهر زنجان، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۴۵.
- o Batson, CD; Duncan' BD ; AckLerman' P. ; Buckley' T. ; Birch' K; (1981) Is empathic emotion a source of altruistic motivation? Journal of Personality And social Psychology .
- Blumberg, Herbert (1990) Small groups and social interaction. New York: University Press.
- Burnstein, G.; Crandall, c.; Kitayama, S.; (1994) Some neo Darwinian decision rules for altruism, weighing cues for inclusive fitness as a function of the biological importance of the decision. Journal of Personality and Social Psychology.
- Deaux' K. ; dane, F, c. Weightsman' l's. ; Sigelman' C' K (1990) Social Psychology in the 90 ' California' Brooks/Cole Publishing Company' p 291.
- Emswiller, T.; Deaux, K.; Willits, J, E.: (1971) Similarity, sex, and requests for small favor, Journal of Applied Social Psychology.

- Fox, Stuart (2015) Apathy, alienation and young people, the political engagement of British millennials. P. H. D. thesis, university of Nottingham.
- Karabenick, S.; Lerner, R.; Beecher, M.; (1972) Relation of political affiliation to helping behavior on election day, *Journal of Social Psychology*, 91:227-233.
- Latane, B.; Darley, J.M.; (1970) The unresponsive bystander: why doesn't he help? New York. Appleton - Century - Crofts' p 15.
- Munch, Richard (1988) *Understanding Modernity*. London: Routledge.
- Piliavin, J. A.; Charng, H. W. (1990) Altruism; a review of recent theory and research' *Annual Review of Sociology*' 19:25 - 65.
- Rossi, A.S.; Rossi, P.H.; (1990) *of Human Bonding: parent-child relations across the life course*, new York, Aldin de Gruyter.
- Wiggins, J.A.; Wiggins, B.B.; Zanden, J.V. (1994) *Social Psychology*, new york' McGraw - Hill' pp 333 - 334.
- Neman, Jenifer (2017) Social apathy, Personal site.